

Explanation Theoretical framework of Justice-Oriented Urban public Spaces with an Emphasis on Gender

ARTICLE INFO

Article Type Original Research

Author

Mohsen Rafieian^{1*}
Narges Taleb valialah²
Najma Esmailpoor³
Hamidreza Saremi⁴

How to cite this article

Rafieian, Mohsen and Taleb valialah, Narges and Esmailpoor, Najma and Saremi, Hamidreza. Explanation Theoretical framework of Justice-Oriented Urban public Spaces with an Emphasis on Gender. Urban Design Discourse. 2025; 6(2): 61-73.



doi.org/10.48311/UDD.6.2.61

¹ Associate Professor of Urban Planning Department, Faculty of Art and Architecture, Yazd University, Yazd, Iran.

²Ph.D Candidate of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Yazd University, Yazd, Iran.

³Associate Professor of Urban Planning Department, Faculty of Art and Architecture, Yazd University, Yazd, Iran.

⁴Associate Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

* Correspondence

Address: Associate Professor of Urban Planning Department, Faculty of Art and Architecture, Yazd University, Yazd, Iran.
Email: mrafian@yazd.ac.ir

Article History

Received: 2025/01/12

Accepted: 2025/05/5

Revised date: 2025/05/2

ABSTRACT

problem: The public space is a major part of the cities, and for this reason, it is at the core of urban studies and many different fields, from sociology, geography, political science, anthropology, architecture and philosophy to planning. In the last decade, the public space of the city as a facilitator of urban justice has attracted increasing attention and discussion in urban research, policy making, and public debate. The framework of fair urban public spaces, as one of the most basic and neglected issues in the context of the main and most important challenges of contemporary cities, namely gender justice, has not been explained so far.

Aim: Turning to the topic and issue of the article, the aim is to explain the framework of justice measurement of urban public spaces with an emphasis on gender justice.

Method: In the present study, it was tried to extract the indicators of fair urban public spaces from the perspective of gender by using the systematic review method, and then the indicators were categorized into appropriate components and compiled in the form of a framework.

Findings and Conclusion: The findings of the present research showed that 86 indicators have been proposed in global studies as indicators of gender-equitable urban public spaces and they are in 16 components of emotions, compatibility with the context, use of natural elements, environmental quality, security, sociability, Presence, diversity, efficiency, responsiveness, access, physical conditions, event-oriented, chastity and welfare facilities and 7 perceptual dimensions, environmental, social, spatial, physical, religious-cultural and Urban management are categorized.

Keywords: Urban public spaces, Gender, Justice, Gender justice, Theoretical framework.



تبیین چارچوب نظری فضاهای عمومی شهری عدالت محور با تأکید بر جنسیت

اطلاعات مقاله:

چکیده

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

نویسندگان:

محسن رفیعیان^{۱*}نرگس طالب‌ولی‌اله^۲نجمه اسمعیل‌پور^۳حمیدرضا صارمی^۴

نحوه استناد به این مقاله:

رفیعیان، محسن و طالب‌ولی‌اله، نرگس و اسمعیل‌پور، نجمه و صارمی، حمیدرضا. تبیین چارچوب نظری فضاهای عمومی شهری عدالت محور با تأکید بر جنسیت. گفتمان طراحی شهری مروری بر ادبیات و نظریه‌های معاصر، ۶ (۲)، ۶۱-۷۳.

بیان مسئله: فضای عمومی بخش عمده‌ای از شهرها را می‌سازد و به همین دلیل در هسته مطالعات شهری و بسیاری از رشته‌های مختلف از جامعه‌شناسی، جغرافیا، علوم سیاسی، مردم‌شناسی، معماری و فلسفه تا برنامه‌ریزی قرار گرفته است. به گونه‌ای که در دهه گذشته، فضای عمومی شهر به‌عنوان تسهیل‌کننده عدالت شهری، توجه و بحث فزاینده‌ای را در تحقیقات شهری، سیاست‌گذاری و بحث عمومی به خود جلب کرده است. چارچوب فضاهای عمومی شهری عادل به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین موضوع‌های مورد غفلت قرار گرفته در زمینه اصلی‌ترین و مهم‌ترین چالش‌های شهرهای معاصر یعنی عدالت جنسیتی تا کنون تبیین نشده است.

هدف: با عطف به موضوع و مساله هدف مقاله، تبیین چارچوب عدل سنجی فضاهای عمومی شهری با تأکید بر عدالت جنسیتی می‌باشد.

روش: در پژوهش حاضر تلاش شده ابتدا با بهره‌گیری از روش مرور سیستماتیک به استخراج شاخص‌های فضاهای عمومی شهری عادل از منظر جنسیت پرداخته شود و سپس شاخص‌ها به مؤلفه‌های مناسب دسته‌بندی و در قالب چارچوب تدوین گردند.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که ۸۶ شاخص در مطالعات جهانی به‌عنوان شاخص‌های فضاهای عمومی شهری عادل جنسیتی مطرح شده‌اند و آن‌ها در ۱۶ مؤلفه احساسات، سازگاری با زمینه، بهره‌گیری از عناصر طبیعی، کیفیت محیطی، امنیت، اجتماع‌پذیری، حضورپذیری، تنوع، کارآمدی، پاسخگویی، دسترسی، شرایط کالبدی، رویدادمنداری، عفاف و امکانات و تسهیلات رفاهی و ۷ بعد ادراکی، محیطی، اجتماعی، فضایی، کالبدی، مذهبی - فرهنگی و مدیریت شهری دسته‌بندی می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: فضاهای عمومی شهری، جنسیت، عدالت، عدالت جنسیتی، چارچوب نظری.

* نویسنده مسئول:

دکتر محسن رفیعیان

نشانی: دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.
ایمیل: mrafian@yazd.ac.ir

تاریخ مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۲/۱۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۲/۱۲

۱. مقدمه

در خصوص چگونگی و چیستی این ساخت‌های مفهومی وجود ندارد. در نهایت می‌توان گفت، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سوال است یک فضاهای عمومی شهری عدالت محور از منظر جنسیتی دارای چه ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی می‌باشد؟

۲. پیشینه پژوهش

نخستین بار پس از شعار «حق به شهر» لوفور (۱۹۹۶)، حقوق مردم در تحقیقات عدالت شهری بارها مورد تأکید و تبیین قرار گرفت. وی اظهار داشت که ساکنان شهرها دارای حق فضایی خاصی هستند که شامل چهار جنبه است: حق مشارکت عادلانه در فرآیند تولید فضای شهری، حق دسترسی به مزایایی که شهر تولید کرده است، حق اجتناب از تفکیک فضایی و حق دسترسی به خدمات عمومی اولیه [۳]. در مطالعات اخیر می‌توان به ژیان و همکاران (۲۰۲۰) اشاره نمود که محققان در پژوهشی با عنوان «عدالت فضایی در برنامه ریزی فضای باز عمومی: دسترسی و فراگیری» با هدف ادغام بینش‌ها در مورد عدالت فضایی و برنامه ریزی فضاهای باز عمومی و پیشنهاد چارچوبی برای آن به مطالعه پرداختند. این کار با اتخاذ مصاحبه با کارشناسان و پیگیری پرسشنامه‌ای بر روی متخصصان هدف در زمینه‌های مرتبط تحقیقات شهری برای ارزیابی عملکرد عدالت فضایی در فضای باز عمومی انجام شد. پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل عاملی، پنج سازه رابطه‌ای ایجاد شد، یعنی: (۱) دسترسی و مدیریت، (۲) جامعه پذیری و تنوع، (۳) تقاضا و تأمین، (۴) لایه و اطلاعات اجتماعی و (۵) شمول اجتماعی. در پژوهشی دیگر یانگ و همکاران (۲۰۱۶)، به دنبال شناسایی این موضوع می‌باشند که آیا نیازهای اجتماعی سالمندان در مورد استفاده از فضاهای باز عمومی در نواحی نوساز شهری در دستورالعمل‌های استاندارد برنامه‌ریزی و طراحی که توسعه و نواحی جدید برنامه‌ریزی شده اغلب بر اساس آن است، مورد توجه قرار می‌گیرد یا خیر؟ نتایج نشان می‌دهد که سالمندان «فعالیت‌های اجتماعی و فیزیکی»، «امکانات و خدمات زندگی اجتماعی» و «شبکه اجتماعی» و همچنین «محیط پاک و دلپذیر» را مهم‌ترین نیاز خود می‌دانند. بنابراین، برنامه ریزان و طراحان باید این معیارها را برای افزایش رفاه اجتماعی سالمندان و سالمندان فعال در فضاهای باز عمومی در نواحی نوساز شهری در نظر بگیرند. به این ترتیب، نیازهای واقعی کاربران باید به جای اینکه توسط برنامه ریزان و طراحان درک شود، استخراج شود. تانگ (۲۰۱۷) در مقاله‌ی خود به بررسی رابطه بین توزیع فضای باز عمومی و موضوع برابری می‌پردازد. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن بود که در حومه شهر، مکان‌یابی فضاهای

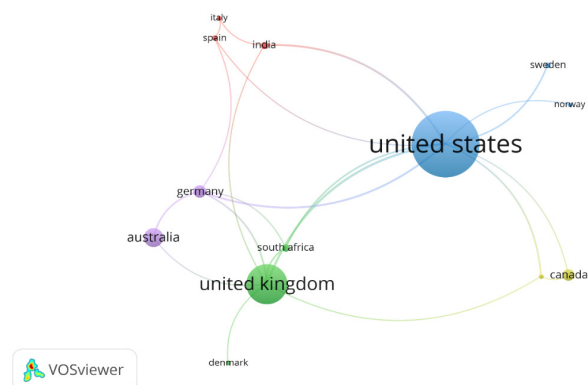
از گذشته تا کنون فضاهای عمومی شهری، بستر کالبدی تعاملات و مراودات اجتماعی مردم بوده است، هرچند ویژگی‌های کمی و کیفی فضاهای عمومی شهری با گذشت زمان و در اثر عوامل مختلف چندان تغییر کرده است، لیکن همواره شهروندان و سایر استفاده کنندگان از شهرها به چنین فضاهایی نیازمند بوده‌اند [۱]. در حقیقت این فضاها به مثابه‌ی بستری برای تولید و تبادل فعالیت‌های عمومی و مدنی شهروندان بوده اند که البته برآیند آن همواره عدالت محور نیز نبوده است. این فضاها با تسهیل جریان شهروندی از طریق حس تعلق انسان به محیط (فضای ساخته شده) و به اجتماع (از طریق تسهیل کنش‌ها و تعاملات متقابل انسان‌ها با یکدیگر) حیات مدنی را به کالبد شهر تزریق می‌کنند [۲]. در همین فضاهای عمومی شهری است که فرهنگ‌های گوناگون از طریق فعالیت‌ها و ارتباطات انسانی به جریان در می‌آیند و ارزش‌ها و سنت‌های هم زیستی را عینیت می‌بخشند و به تصویر در می‌آیند. فضایی که به همه مردم اجازه می‌دهد که به دور از هرگونه تبعیض به آن دسترسی داشته باشند و در آن فعالیت کنند. این در حالی است که مرور ادبیات و پیشینه حاکی از وجود انواع نابرابری‌ها نظیر قطب بندی اقتصادی، قطب بندی اجتماعی، توزیع نابرابر امکانات و خدمات و نابرابری‌های جنسیتی بالاخص در شهرها و فضاهای شهری است. این روند تا به امروز به گونه‌ای بوده است که می‌توان فضاهای عمومی شهری کنونی را تجسم و تجسد کالبدی نابرابری دانست. از سویی دیگر سابقه اندیشه عدالت خواهی را می‌توان همزمان با آغاز تمدن بشری تصور کرد؛ چنانکه محققانی مانند گارسیا رومن معتقدند نیاز برای فضاهای عمومی شهری با تأکید بر طراحی همه شمول فارغ از محدودیت‌های جنسیتی، سنی و توانایی استفاده کننده به عنوان مکانی مطلوب برای تمام گروه‌های اجتماعی، به خوبی احساس می‌شود. لیکن جست و جو برای فضای عمومی شهری عدالت محور، جست و جو برای چیزی فراتر از واکنش و نظر یک فرد به ناعدالتی‌های خاص است. در این راستا شناسایی عوامل مؤثر بر عدالت و برابری می‌تواند مدیران شهری را با نیازهای مصرف کنندگان فضا واقف سازد و موجب رضایت شهروندان از فضاهای عمومی شهری، افزایش حضورپذیری آن‌ها در این فضاها و... شود. با توجه به بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه عدالت و به خصوص عدالت جنسیتی، می‌توان گفت در کم تر پژوهشی ابعاد، مؤلفه و شاخص‌های عدالت جنسیتی در فضاهای عمومی شهری در قالب یک چارچوب مورد بررسی قرار است. از این رو می‌توان گفت یافته‌های نظری مناسبی

بستر و زمینه پژوهش‌های انجام یافته در مقیاس ملی اغلب شامل مناطق و یا محلاتی از شهر تهران بوده است [۴، ۵، ۶] و پس از آن با فراوانی کمتری شهرهایی همچون ایلام، زاهدان، شیراز، همدان تبریز و ارومیه بررسی شده‌اند. همچنین تحقیقات انجام شده، عموماً مفاهیم را در زمینه یک نوع فضای عمومی (مثلاً پارک‌ها یا محله‌ها) و نه چندین نوع فضای عمومی، بررسی کرده‌اند. ضمن آنکه تمرکز بیشتر بر مولفه حضورپذیری و خصوصاً حضورپذیری محدود به جنسیت زنان و نه مردان بوده است و علیرغم تحقیقات فزاینده و پراکنده در خصوص عوامل مثبت و موثر بر افزایش و منفی و موثر بر کاهش ابعاد از عدالت جنسیتی همچون حضورپذیری و یا امنیت در فضاهای عمومی، چارچوب جامعی از این عوامل در قالب یک پژوهش موجود نمی‌باشد که این مقاله از منظر تدوین چارچوب جامعی که عدالت جنسیتی در فضاهای عمومی را می‌سندد، دارای تمایز با مطالعات گذشته و بداعت نسبی است.

۳. مبانی نظری پژوهش

واژه فضا^۱ در زمینه‌های متعدد و رشته‌های گوناگونی همچون فلسفه، جامعه‌شناسی، اقتصاد، معماری و شهرسازی بکار برده می‌شود؛ لیکن تکرار کاربرد این واژه به معنای برداشت یکسان از مفهوم فضا در تمام زمینه‌های مذکور نیست، بلکه تعریف فضا از دیدگاه‌های مختلف قابل پیگیری است. در متون مرتبط با حوزه شهر و شهرسازی صحبت از فضاهای شهری و فضاهای عمومی شهری به‌عنوان بستری برای شکل‌گیری فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی و عرصه‌ای جهت ظهور و بروز روابط اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها با یکدیگر، می‌شود. کارمونا در تعریفی از فضای عمومی بیان می‌کند که فضاهای عمومی معمولاً فضاهایی از شهر مانند خیابان‌ها، پارک‌ها، میداين و اماکن عمومی را شامل می‌شوند و به روی عموم گشوده هستند و در دسترس همگان قرار دارند در حالیکه فضاهای خصوصی^۲ دسترسی همگان به آن محدود است [۷]. توماس نیز نقش اجتماعی فضاهای عمومی را برجسته کرده و آن را بستری مهم در توسعه افراد و جوامع می‌داند. وی چهار نقش برای فضای عمومی برشمرده است که شامل عرصه‌ای برای زندگی عمومی، محلی برای برقراری تعاملات گروه‌های مختلف اجتماعی، فضایی برای نشان دادن نمادها، تصاویر و فرهنگ جوامع و بخشی از سیستم ارتباطی بین فعالیت شهری می‌باشد [۸]. نیکشیچ و سزر (۲۰۱۷) از فضای عمومی به‌عنوان یک فضای فیزیکی و انضمامی که در مکان

باز عمومی نه تنها تحت تأثیر قصد تشویق تفریحات عمومی، بلکه تحت تأثیر تلاش برای گسترش خدمات شهری مانند جمع‌آوری زباله و تأمین امکانات عمومی قرار گرفته است. بنابراین در مناطق دورافتاده روستایی، تأمین فضای باز عمومی بخشی از پروژه شهرنشینی دولت است و همچنین طرح‌های شهری سه الگوی منطقه‌بندی کاربری اراضی متمایز را در اطراف مناطق قانونی «فضای باز» در هنگ کنگ نشان می‌دهند. حدود نیمی از مناطق «فضای باز» شناسایی شده نزدیک به مناطق مسکونی پر تراکم بودند که اکثریت مردم هنگ کنگ را در واحدهای مسکونی انبوه در خود جای می‌دهند. در مقابل، مناطق مسکونی کم‌تراکم که با ویژگی‌های مسکونی لوکس‌تر مشخص می‌شوند، سهم نامتناسب زیادی از مناطق «فضای باز» در اطراف داشتند. ویلانوا و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان «توسعه شاخص‌های فضای باز عمومی برای ارتقای سلامت و رفاه در جوامع»، روشی را برای توسعه شاخص‌های فضای باز عمومی از لنز سلامت و رفاه از طریق: (۱) توسعه چارچوبی که مسیرهایی را که در آن فضای باز عمومی بر سلامتی و رفاه تأثیر می‌گذارد و (۲) استفاده از این چارچوب مفهومی به‌عنوان راهنمایی برای شناسایی شاخص‌های مرتبط با سیاست بالادستی فضای باز عمومی که مبتنی بر شواهد خاص، قابل سنجش و اندازه‌گیری در مناطق مختلف هستند، ارائه می‌کند. لو و ایوسون (۲۰۱۶)، در مقاله خود مدلی از فضای عمومی عادلانه اجتماعی را توسعه می‌دهند که می‌تواند به تحلیل و مداخله مواضع اتخاذ شده در فضای عمومی کمک کند. همچنین با استفاده از نرم افزار علم‌سنجی وی او اس ویوئر ملاحظه می‌شود که بستر و زمینه پژوهش‌های عدالت جنسیتی در فضاهای عمومی شهری در مقیاس بین‌المللی بیشترین میزان پژوهش مربوط به ایالات متحده آمریکا است و پس از آن بریتانیا و آلمان قرار دارند و کمترین میزان مربوط به کشور ایران می‌باشد (تصویر ۱).



شکل ۱. تحلیل نقشه شبکه کشورهای همکار (منبع: نگارندگان)

1. Space

۲. فضاهای موجود در شهر را به لحاظ نحوه استفاده از آنها به سه دسته کلی فضاهای خصوصی، فضاهای نیمه عمومی / نیمه خصوصی و فضاهای عمومی تقسیم بندی می‌شوند

مستقیم در رابطه با عدالت جنسیتی در فضاهای عمومی شهری هستند، از رویکرد بررسی سیستماتیک که به طور گسترده در زمینه مدیریت ساخت و ساز و زمینه‌های تحقیقاتی مرتبط با برنامه ریزی شهری اتخاذ شده است، استفاده شده است [۲۰، ۲۱]. روش سیستماتیک ساده شده از سه مرحله تشکیل شده است: (۱) تهیه ادبیات، (۲) انتخاب مقالات هدف مربوطه، و (۳) تجزیه و تحلیل محتوای مقالات هدف. لیست مقالات دانشگاهی بالقوه با استفاده از پایگاه اسکوپوس در آبان ماه ۱۴۰۳ تهیه شد. در پایگاه اسکوپوس جست و جوی پیشرفته^۲ دو کلیدواژه ترکیبی "عدالت جنسیتی" و "فضای عمومی"^۳ بدون ایجاد محدودیتی خاص در عنوان، چکیده و کلیدواژه حاکمی از وجود ۲۰۰ سند طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۴ بود.

در ادامه فرآیند تحقیق جهت یافتن شاخص‌ها، فقط مقالات چاپ شده در مجلاتی انتخاب شد که با مطالعات تحقیقات شهری و اجتماعی سروکار دارند تا تعداد مقالات به اندازه قابل مدیریت کاهش یابد. مجدداً، با اسکن مختصر عنوان، چکیده‌ها، کلمات کلیدی و محتوای مقالات بازبینی شده به صورت دستی، موارد نامناسب حذف شد. در همین حال، برخی از مقالات با بررسی فهرست مرجع مقالات منتخب به دلیل ارتباط بالای آنها برای این بررسی به عنوان مکمل، ردیابی شدند که در مجموع فراوانی مطالعات مرتبط فارسی و غیرفارسی بالغ بر ۴۰ اثر می‌باشد. (جدول ۱)، شاخص‌ها و منابع مطالعات را نشان می‌دهد.

۵. یافته‌ها

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد عوامل موثر بر عدالت جنسیتی در فضاهای عمومی شهری را می‌توان در قالب ۷ بعد ادراکی، محیطی، اجتماعی، فضایی، کالبدی، مذهبی-فرهنگی و مدیریت شهری و ۱۶ مؤلفه احساسات، سازگاری با زمینه، بهره‌گیری از عناصر طبیعی، کیفیت محیطی، امنیت، اجتماع‌پذیری، حضورپذیری، تنوع، کارآمدی، پاسخگویی، دسترسی، شرایط کالبدی، رویدادمداری، عفاف و امکانات تسهیلات رفاهی توصیف نمود.

۵-۱. احساسات

این مؤلفه به دو دسته معیارهای احساسات مثبت و احساسات منفی تقسیم بندی می‌شود. احساسات مثبت شامل ۸ معیار و ۳ زیر می‌باشد. بدین صورت که احساسات راحتی و رفاه، آرامش، آسایش، دل‌بستگی، خاطره ذهنی و یا خاطره انگیزی، اعتماد، آزادی، جذابیت احساسی از جمله معیارهای تشکیل

و زمان واقعی برای همه قابل دسترسی است و نه به عنوان یک فضای مجازی و غیرمادی، صحبت می‌کنند. خیابان‌ها، بازارها، پارک‌ها، زمین‌های بازی و بسیاری از فضاهای دیگر افراد را از جنسیت، درآمد، سن و گروه‌های فرهنگی، که لزوماً با یکدیگر آشنا نیستند [۹، ۱۰]، با ارائه فرصت‌هایی برای حضور غریبه‌ها در یک مکان در یک زمان، فضای عمومی به عنوان مکانی اجتماعی عمل می‌کند، این به معنای تعامل اجتماعی خود به خود، از طریق احوال‌پرسی ساده، یا فقط دیدن و دیده شدن، یا گرهمایی‌های اجتماعی و مبادلات تجاری است [۱۱، ۱۲، ۱۳]. همه این اشکال تعامل و تبادل در هسته حیات عمومی پر جنب و جوش شهر هستند و می‌توان آنها را در فضاهای عمومی مشاهده و تجربه کرد. از طرفی مالکیت فضاهای عمومی نیز حائز اهمیت بسیاری است که بر استفاده، رفتار و دسترسی شهروندان تأثیر می‌گذارد. به عنوان نمونه نمث و اشمیت (۲۰۱۱)، در پژوهش خود متوجه شدند که فضاهای عمومی با مالکیت خصوصی که مورد بررسی قرار داده‌اند، استفاده، رفتار و دسترسی را کنترل می‌کنند و در این بعد نسبت به هم‌تایان عمومی خود کمتر عمومی هستند. از سوی دیگر این کیفیت‌های مختلف فضای عمومی با برخی از جنبه‌های شهر عدالت محور نظیر تنوع^۱، برابری و دموکراسی مرتبط است [۱۴، ۱۵]. از دیگر جنبه‌ها و اصول عدالت محوری و به تبع آن فضای شهر عادل، تخصیص عادلانه ثروت، منابع، مزایا و فرصت‌ها در میان شهروندان است. این رویکرد از دولت-شهر باستانی آتن به عنوان توزیع کننده قدرت و منابع استفاده می‌کند و آن را گسترش می‌دهد و بر ایده‌های مربوط به عدالت در جوامع غربی تأثیر می‌گذارد، جایی که عدالت به شدت با سیستم حقوقی مرتبط است و توسط قانون از طریق سیاست، اقتصاد و نهادهای اجتماعی تنظیم می‌شود. معیارهای عدالت از نظرهاروی نیاز، شرکت در منفعت عمومی و استحقاق یا شایستگی در دریافت حق است. راولز نیز بر فرصت برابر اهتمام می‌ورزد [۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸]. علاوه بر این هنگامی که صحبت از فضاهای عمومی به میان می‌آید، عدالت به معنای تهیه و تنظیم فضای عمومی و همچنین دسترسی به آنها بدون توجه به مشخصات اجتماعی و اقتصادی جمعیت می‌باشد [۱۹].

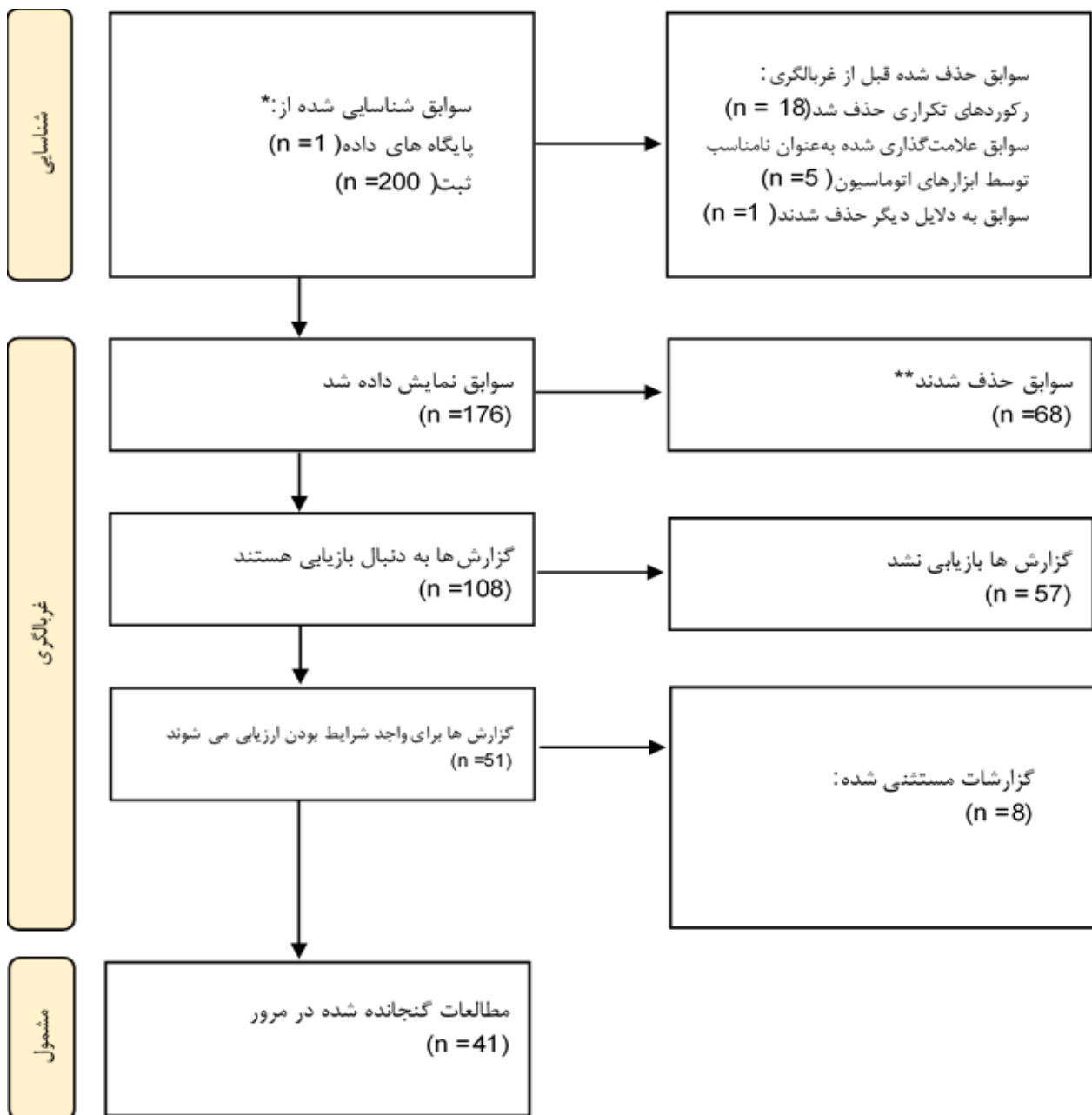
۴. روش پژوهش

برای شناسایی مطالعات ارزشمند و مرتبطی که دارای اهمیت

۱. ظرفیت استقبال و پذیرش افراد مختلف با دیدگاه‌ها و شیوه‌های فرهنگی متفاوت، قدمت این دیدگاه به دوران باستان برمی‌گردد، همانطور که ارسطو به قول معروف می‌گوید: «شهر از انسان‌های مختلفی تشکیل شده است. افراد مشابه نمی‌توانند شهر را به وجود آورند» (ارسطو، به نقل از سنت، ۱۹۷۰: ۱۳).

2. Advanced search

3. Gender justice and public space



شکل ۲. روش غربالگری ادبیات (منبع: نگارندگان با اقتباس از پایگاه اسکوپوس)

می‌باشند. احساسات منفی نیز عبارت از دو احساس مهم ترس و آزار در فضاهای عمومی شهری شامل ترس از آزار و اذیت، ترس از قربانی شدن در یک جنایت یا موقعیت‌های منفی (سرقت، مصرف الکل و مواد مخدر)، احساس آزار و سوء استفاده و زن‌ستیزی، آزارهای چشمی از قبیل چشم چرانی، چشمک زدن، نگاه‌های ممتد در فضاهای عمومی شهری و

دهنده احساسات مثبت درفضا هستند و معیار جذابیت احساسی خود دارای زیرمعیارهای احساسات اغوا کننده، لذت بخش و جذاب و فریبنده می‌باشد. لازم به ذکر است که خود این احساسات مثبت از جمله معیارهای یک شهر نرم و فضاهای آن از جمله فضای عمومی شهری نرم^۱ نیز

۱. اصطلاح "شهر نرم" ایده ای است که چندین سال است در بین محققان و دانشمندان شناخته شده است. در ادبیات، این اصطلاح توسط رابن (۱۹۷۵) با کتاب «شهر نرم» نوشته دیوید سیم معرفی شده است. شهر نرم به گفته رابن بیشتر یک شیوه تفکر شاعرانه بود. وی اصطلاح "شهر نرم" را این گونه استدلال می‌کند: شهری که منتظر «مهر» هویت ساکنانش است. شهری که توسط شهروندانش شکل پذیر است، مانند یک مدینه فاضله و دور از دنیای واقعی به نظر می

رسد. این ایده اگرچه شاعرانه به نظر می‌رسد، اما می‌توان گفت که روندهای متغیر شهرها شاید واقعی‌تر و خاطره انگیزتر از ساختمان‌های آن باشد. به عنوان مثال جایی که شما هفتگی نان خرید می‌کنید، یا مکانی که برای مرتب کردن موهایتان به آنجا می‌روید می‌تواند بیش از هر آسمان خراش نمادین جهان برای شما مهم باشد [۲۲]

جدول ۱. شاخص‌های عدالت جنسیتی در فضای عمومی از منظر مطالعات فارسی و غیرفارسی (منبع: نگارندگان)

زبان	شاخص‌ها	منابع
منابع غیرفارسی	راه‌یابی و دسترسی، امنیت و ایمنی، حمل و نقل عمومی، ترس از آزار و اذیت، اجتماع پذیری، زندگی شبانه، پاسخگویی مبلان، پیاده‌مداری، بوم‌شناسی، آزادی، سرویس‌های بهداشتی عمومی، فضاهای تجمع (پروژه فعالیت‌های جمعی)، شناختی، آرامش، ترس از قربانی شدن در یک جایت یا موقعیت‌های منفی (سرفت، مصرف الکل و مواد مخدر)، تنوع و جذابیت، مقیاس انسانی، معاش‌پذیری، نور و نورپردازی و وضعیت روشنایی، حفظ جاذبه، نقش آفرینی و مشارکت مردم، هوشمندسازی و شهر هوشمند، قابل درک (سهولت)، کار جنسی یا کارگران جنسی، گستره افراد آشنا / مغازه‌ها / فروشگاهان، زبان مشترک، پوشش گیاهی، تابلوها و علائم، خرده‌فروشی‌ها، آزار، سوء استفاده و زن‌ستیزی، شرایط فرهنگی و اجتماعی، تسهیلات پیاده‌روی، رد پای کم کربن، تخریب شهری، نگرش اجتماعی، اعتراضات خیابانی، امکانات رفاهی و تسهیلات، واحدهای مجری قانون، دعوت کنندگی، وجود فعالیت‌ها و کارکردها، بی‌خانمان‌ها یا قرارگاه‌ها، نظارت (رسمی و غیررسمی)، فضای مجازی و تکنولوژی، شمول اجتماعی، دستگاه‌های امنیتی، دوربین امنیتی، زبان مشترک، نگرش پلیس، چندمنظوره‌ی فضا، اعتماد، احساسی، توجه به آب و هوا، همگانی، تعامل اجتماعی، هویت و حس مکان، فضاهای تحت سلطه مردان (سیگار، فروشی و...)، سازگاری با الگوهای رفتاری، نفوذپذیری، حافظه جمعی، باز بودن، قرارگیری در بین حصارها و دیوارهای بلند و ساختمان‌های بلند مرتبه / موانع دید / موانع معماری، راحتی، زیرساخت، ازدحام (حضور مردم) / وجود افراد مزاحم، به اشتراک گذاری، رویدادهای فرهنگی - هنری، نرخ جرم، تأثیر سبک و اقلیم، رفتاری، کاربری مختلط، هویت، مکان‌هایی با غرفه پلیس قابل مشاهده و قابل دسترسی، گشت زنی، پوشش دوربین مدار بسته و ... سازگاری فعالیت‌ها، آثار هنری، ترافیک سواره، جذابیت احساسی، لذت بخش.	ژیان و همکاران (۲۰۲۳)، سیم (۲۰۱۹)، زانی و همکاران (۲۰۰۱)، گرو (۲۰۱۶)، مهنویا و لاتیا (۲۰۱۹)، بانسال و همکاران (۲۰۲۱)، بوسکو و همکاران (۲۰۲۲)، لویس و همکاران (۲۰۱۶)، اسکاریونی و همکاران (۲۰۲۳)، مین و همکاران (۲۰۲۳)، لوکاس و همکاران (۲۰۰۷)، فرانسیس و همکاران (۲۰۱۲)، صادقی و همکاران (۲۰۲۳)، پی پی اس (۱۹۷۵)، جانسون و مایلز (۲۰۱۴)، ایتایر و همکاران (۲۰۲۳)، لوریتز و همکاران (۲۰۰۴)، نلوارته-هرناندز و همکاران (۲۰۲۱).
منابع فارسی	آسایش، پویایی، خوانایی، کیفیت سکونت در محلات مجاور فضا، آلودگی محیطی، جداره شفاف، اجتماع پذیری، رفاه و راحتی، اندازه و مقیاس فضای عمومی، مقرون به صرفه و قابل استطاعت برای تمام گروه‌های درآمدی، رنگ و تصاویر دیواری، مبلان و فضای فراغت، معاشرت پذیری، تحرک پذیری، کارآمدی فضا، عدالت اجتماعی، وجود عناصر پویا، معنای محیط، آزارهای چشمی مثل چشم چرانی، چشمک زدن، نگاه‌های متد، مدیریت شهری، خاطره ذهنی و یا خاطره انگیزی، وضعیت و فعالیت دست‌فروشان و دوره‌گردان، وحدت، آب و فضای سبز، بوم‌گرایی، تعقیب کردن، رویدادپذیری، کیفیت زندگی، ناهمگونی جمعیت استفاده‌کننده، بی‌نظمی و بهم ریختگی فضا، پوشش و جاذبه، هم‌آوایی با طبیعت، دسترسی به حمل و نقل عمومی، تنوع کارکردی، تداوم حضور، پاکیزگی و عدم آلودگی، دلبستگی، رمزگرایی و ابهام، نظم، کنترل ورودی‌ها، شرایط کالبدی، آلودگی دیداری، زمان و مکان حضور، آسایش اقلیمی، انعطاف پذیری، ورود و وسایل نقلیه موتور در پیاده‌رو و سایر، سرزندگی، کنج‌های مخفی از دید، تالیسات و تسهیلات، کیفیت فعالیت‌ها و کاربری زمین، عملکردی، فرم فضا.	آذر و محمدی بیرنگ (۱۳۹۷)، سراج زاده و همکاران (۱۳۹۵)، حبیبی و همکاران (۱۳۹۹)، پورحسن روشن و همکاران (۱۳۹۸)، ایزدی و حق (۱۳۹۴)، رضا نژاد و همکاران (۱۳۹۴)، گلی و همکاران (۱۳۹۴)، عرشی‌ها و مدیری (۱۳۹۰)، مهریادی و سجودی (۱۳۹۴)، پوراحمد و همکاران (۱۳۹۵)، پیر زاده و همکاران (۱۴۰۱)، هلالی و همکاران (۱۴۰۱)، پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۴)، حاجی احمدی همدانی و همکاران (۱۳۹۴)، برومند و رضایی (۱۳۹۵)، مغروفی و پایزیدی (۱۳۹۷)، حاتمی نژاد و همکاران (۱۳۹۹)، صادقی و همکاران (۱۳۹۱)، شکری یزدان آباد و صفوی (۱۴۰۰)، کاکلی زاده و همکاران (۱۴۰۱)، بیرانوندزاده و همکاران (۱۳۹۸)، رحیمی و صبوری (۱۳۹۷)، شریعتی مزینانی و فروغ زاده (۱۳۹۶).

شناسی، رد پای کم کربن و تأثیر سبک و اقلیم بیشتر به نوع طراحی یک فضای عمومی شهری عادل می‌پردازد. به‌عنوان مثال فرم فضای عمومی شهری عادل بایستی زندگی طبیعی را در خود جای دهد. چیدمان، اندازه و شکل فضای عمومی و استفاده از این نوع فضاها باید با زندگی طبیعی سازگار باشد و تنوع زیستی بیشتری را ممکن سازد. همچنین فرم ساخته شده یک فضای عمومی شهری باید از منابع کمتری در ساخت و ساز و بهره‌برداری استفاده کند و در عین حال رفتارها و سبک زندگی با اثر کربن کمتری همانند پیاده‌روی و دوچرخه سواری را ترویج کند. شاخص‌های سرزندگی، پویایی و پاکیزگی یک فضای عمومی به کاهش استرس و نگرانی در حضور گروه‌های مختلف سنی و جنسی شده و به امنیت آن فضا کمک شایانی خواهد کرد. در مورد شاخص آسایش اقلیمی باید احترام به اقلیم، توپوگرافی، شرایط محیطی که بر روح فضای عمومی تأثیرگذار است؛ مورد توجه قرار گیرد. شاخص رنگ و تصاویر دیواری نیز اشاره به زیبایی بصری محیط شهری دارد که برای ظهور زیبایی بصری در فضاهای شهری، توجه به سایر اصول مرتبط با زیبایی شناسی مانند هماهنگی، ریتم، توازن، تعادل و ... ضرورت دارد. چشم‌نوازی بصری فضای شهری، قرابت هویت آن با فرهنگ زمینه تلطیف با عناصر طبیعی از دیگر مواردی

احساس تعقیب شدن به خصوص در جنسیت زنان می‌باشد که بر مؤلفه‌های دیگر همچون کاهش میزان امنیت و حضورپذیری در فضا تأثیرگذار است.

۵-۲. کیفیت محیطی

اولین مؤلفه از بعد محیطی و مورد توجه محققان بحث کیفیت محیطی است که خود شامل ۹ شاخص وضعیت سرویس‌های بهداشتی عمومی، وضعیت پوشش گیاهی، بوم‌شناسی، رد پای کم کربن، تأثیر سبک و اقلیم، پاکیزگی و عدم آلودگی، سرزندگی، آسایش اقلیمی و رنگ و تصاویر دیواری می‌شود. معیار اول و آنچه به طور گسترده‌ای در مطالعات خارجی و متمایز با مطالعات داخلی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است و مرتبط با بحث‌های جنسیتی، محیطی و بهداشتی در فضاهای عمومی می‌باشد؛ بحث سرویس‌های بهداشتی عمومی است. چنانچه در سراسر جهان غرب، زنانی همانند کلارا گرید و سوزان کانینگهام^۱ در بریتانیا و یا جوان کوئیک^۲ در کانادا برای تأمین حقوق خود در زمینه دسترسی مناسب و عادلانه به سرویس‌های بهداشتی گام برداشته‌اند.

شاخص‌های بعدی یعنی وضعیت پوشش گیاهی، بوم

1. Clara Greed and Susan Cunningham
2. Joan Kuyek

است که موجبات زیبایی بصری فضای شهری را فراهم می‌آورد.

۳-۵. سازگاری با زمینه

سه معیار هم‌آوایی با طبیعت، بوم‌گرایی و وحدت به‌عنوان معیارهای اصلی این مؤلفه شناسایی شده‌اند. هم‌آوایی با طبیعت و بوم‌گرایی به استحکام و قوی‌تر شدن رابطه انسان با محیط و ایجاد خاطره و تصویری ماندگارتر از فضا کمک می‌کند. ایجاد این چنین لذتی عمیق و ادراکی روشن‌تر از فضا، تنها در گرو گفت‌وگامی ارادی، پیوند با طبیعت و درک و ارتباط بین پدیده‌های محیطی مانند باد، باران، برف، خورشید، خاک و آب تحقق می‌یابد. لازم به ذکر است بومی‌گرایی و هم‌آوایی با طبیعت بایستی به‌گونه‌ای باشد که فضاهای شهری و عملکردهای پیرامونی، رنگ و بوی فرهنگ خودی بگیرند. معیار بعدی وحدت است که پدیده وحدت در کثرت وابسته به فلسفه نظم‌گیتی است و به طور نمادین آنچه را که برای ساختن جهان ضروری است نمایش می‌دهد و این استعاره‌ای از نظم جهانی است.

۴-۵. بهره‌گیری از عناصر طبیعی

سومین مؤلفه از بعد محیطی و یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی که بایستی در طراحی فضاهای عمومی شهری بومی مد نظر قرار گیرد، بهره‌گیری از عناصر طبیعی است که خود متشکل از دو معیار پوشش گیاهی و آب و فضای سبز است.

۵-۵. امنیت

مؤلفه امنیت در فضای عمومی شهری به سه معیار خصوصیات فردی، مشخصه‌های فضایی و همچنین وضعیت کالبدی تقسیم بندی می‌گردد. که خود معیار خصوصیات فردی همچنان که پیش‌تر نیز بیان شد به ۴ شاخص سن فرد، جنسیت، گستره شناختی وی از فضا یعنی (گستره افراد آشنا / مغازه‌ها / فروشندگان) و وضعیت اقتصادی بستگی دارد. مؤلفه مشخصه‌های فضایی شامل ۱۳ شاخص مکان‌هایی با غرفه پلیس قابل مشاهده و قابل دسترس، گشت زنی، پوشش دوربین مدار بسته و....، قرارگیری در بین حصارها و دیوارهای بلند و ساختمان‌های بلند مرتبه / موانع دید / موانع معماری، خرده فروشی‌ها، فضاهای تحت سلطه مردان (سیگار فروشی و...)، کار جنسی یا کارگران جنسی، وجود بی‌خانمان‌ها یا قرارگاه‌ها، باز بودن فضا، میزان نرخ جرم، کنج‌های مخفی از دید، ورود وسایل نقلیه موتوری در پیاده‌رو و سایر، وضعیت و فعالیت دست‌فروشان و دوره‌گردان و مقیاس و اندازه فضای عمومی می‌باشد. در نهایت مؤلفه وضعیت کالبدی عبارت از ۷ معیار

نور و نورپردازی و وضعیت روشنایی، تابلوها و علائم، جداره شفاف، نظارت (رسمی و غیررسمی)، کنترل ورودی‌ها، وجود دستگاه‌های امنیتی و یا دوربین امنیتی و وجود واحدهای مجری قانون است که هر یک به نوبه خود نفوذ شگرفی در ایجاد حس امنیت و ناامنی دارا می‌باشند.

۶-۵. اجتماع‌پذیری

استفاده از واژه‌های اجتماع‌پذیر و اجتماع‌گریز بیانگر کیفیت‌های فضایی هستند که مردم را دور هم جمع می‌آورند یا از هم دور می‌کنند. این واژه‌ها را برای نخستین بار همفری اسموند با همراهی رابرت سامر، زمانی که مدیریت بیمارستانی در کانادا را بر عهده داشت تعریف کردند. فرآیند اجتماع‌پذیری، با برقراری تعامل و ارتباط اجتماعی بین بهره‌برداران هر فضای عمومی و مشترک معماری قابل حصول است و قابلیت شرکت مؤثر در تعامل با دیگران، چه در زندگی خصوصی و چه در زندگی عمومی و حرفه‌ای انسان‌ها، از اهمیت حیاتی برخوردار است [۲۳]. مؤسسه پی اس^۱ که در سال ۱۹۷۵ با هدف ایجاد حرکتی جهانی به منظور ساخت مکان‌هایی مردمی ایجاد شد، در مطالعات خود بر روی بیش از ۱۰۰۰ مورد فضای عمومی در نقاط مختلف دنیا، یکی از مهمترین ابعاد و ویژگی‌های فضاهای عمومی را اجتماع‌پذیری آنها می‌داند. اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی با وجود شبکه‌های اجتماعی و زندگی فعال در ساعات مختلف شبانه روز قابل ارزیابی است. همچنین اگرچه فضای عمومی شهری در ابتدا از طریق کالبد درک می‌شود، اما آنچه به آن معنی می‌بخشد، احساس و ذهنیت افراد است [۲۴]. بدین ترتیب آنچه فضاهای عمومی را به لحاظ اجتماعی فعال می‌سازد، در درجه اول عوامل کالبدی است که بتواند زمینه ساز ورود و سپس توقف افراد درون فضا (نظیر جذابیت بصری) باشد.

۷-۵. حضور‌پذیری

یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم و پر حاشیه بعد اجتماعی، مؤلفه حضور‌پذیری است. مؤلفه حضور‌پذیری خود شامل ۷ معیار معاشری‌پذیری، دعوت‌کنندگی، زبان مشترک، برقراری تعاملات اجتماعی و برانگیزاننده هویت و حس مکان، دارای حافظه جمعی و فضاهای تجمع (بروز فعالیت‌های جمعی)، تحرک‌پذیری است. اهمیت این مؤلفه به حدی است که یکی از مهمترین دغدغه‌های طراحان خلق و ارتقا فضاهای عمومی با کیفیت جهت رسیدن به فضاهای جمعی و حضور‌پذیر است. فضاهایی که بتوانند تعادلی پایدار میان حضور اقشار مختلف اجتماعی و مشارکت و فعالیت آن‌ها در

۵-۹. کارآمدی و پاسخگویی

دو مؤلفه کارآمدی و پاسخگویی فضای عمومی شهری جزو بعد فضایی قرار می‌گیرند که مؤلفه کارآمدی دارای ۴ معیار سازگاری با الگوهای رفتاری، سازگاری فعالیت‌ها، قابل درک (سهولت) بودن فضا و مقرون به صرفه و قابل استطاعت بودن استفاده از فضای عمومی شهری برای تمام گروه‌های درآمدی است. مؤلفه پاسخگویی نیز شامل ۲ معیار وجود فعالیت‌ها و کارکردها، مقیاس انسانی است. یک فضای عمومی شهری کارآمد و پاسخگو و عادل از منظر جنسیت بایستی توانایی جسمانی زنان و مردان را مد نظر قرار دهد.

۵-۱۰. دسترسی

همه ما می‌خواهیم به‌عنوان یک فرد مستقل و برابر به زندگی اجتماعی بپیوندیم. برای پیوستن به زندگی اجتماعی در درجه اول باید به فضاهای عمومی شهری دسترسی داشته باشیم و از آنها استفاده کنیم. محیط فیزیکی و خدمات عمومی و به‌طور کلی فضاهای عمومی باید تا حد امکان بدون مانع باشد تا نیازهای همه افراد به‌طور یکسان برآورده شود [۲۸]. برخی از نظریه پردازان مانند تام ترنر و کلونین لینچ، مفهوم دسترسی را به صورت یک معیار مهم شهرسازی مطرح کرده‌اند. از نظر لینچ شهرها ابتدا بنا به دلایل نمادین و سپس به دلیل نیاز به دفاع ساخته شده‌اند، اما دیری نپایید که معلوم شد یکی از امتیازهای شهرها، تأمین دسترسی مناسب در آنها است. دسترسی شامل دسترسی به سایر افراد، فعالیت‌ها، منابع، خدمات، اطلاعات و یا اماکن می‌شود [۲۹]. دسترسی، یکی از ابعاد فیزیکی اصلی فضای عمومی، به شکل دهی یک فضای عمومی دموکراتیک با فراهم کردن فرصت‌هایی برای ساکنان و بازدیدکنندگان یک مکان معین برای مشارکت در فعالیت‌های مدنی کمک می‌کند. دیشینگر، بینز الی و پیاردی (۲۰۰۹) بیان نمودند که دسترسی مکانی بسیار بیشتر از معنای ورود در مکان مورد نظر است [۳۰]. علاوه بر این درک افراد از این عامل می‌تواند تا حد زیادی تحت تأثیر ویژگی‌های فیزیکی و مکانی داخل و اطراف فضای عمومی باشد. به این معنا که فضاهایی که راحت و اجتماعی تلقی می‌شوند، پتانسیل دریافت بازخورد مثبت از نظر عدالت را دارند. بنابراین اگر شرایط محیطی خاص یک فضای عمومی معین از نظر ایدئولوژیک به‌عنوان "غیرقابل قبول" در نظر گرفته شود، می‌تواند منجر به ایجاد موانع دسترسی شود و ممکن است ساکنان را از استفاده از امکانات فضای عمومی منصرف کند.

عرصه‌های عمومی شهری برقرار کنند. از این رو موفقیت و یا شکست برنامه‌ریزی و طراحی شهری در ایجاد و یا تغییر وضع فضای عمومی، بایستی به اندازه‌گیری تعداد زنان و مردان استفاده کننده و حضور یابنده و تنوع ویژگی‌های افرادی که از این فضاها استفاده می‌کنند و در آن حضور می‌یابند، درست به همان کیفیت تنوع روابط و فعالیت‌های انجام گرفته در فضا ارزیابی و بررسی شود. برای تحقق این موضوع نیز بایستی هر ۷ معیار ذکر شده این مؤلفه برقرار باشد و روز به روز تقویت شود.

۵-۸. تنوع

تنوع در مفهوم شهرها و سبک زندگی شهری نهفته و موضوع مهمی در برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه شهری است [۲۵]. همچنین تنوع یکی از پارامترهای مهم برای کیفیت قلمرو عمومی در یک شهر یا یک فضای عمومی شهری است. مرور ادبیات نشان می‌دهد که تنوع تجربه غنای عناصر در محیط است که امکان انتخاب تجربی بیشتری را برای کاربران فراهم می‌کند [۲۶]. استفاده ترکیبی از فضاها با فعالیت‌ها، مقیاس، کاربری‌ها و عملکردهای مختلف، فضاهای پرنشاط و شادی را ایجاد می‌کند و از این رو برای محیط یک شهر حیاتی است. به گفته جیکوبز (۱۹۶۱) تنوع با اشکال و الگوهای فیزیکی که تعاملات انسانی - الگوهای روابط را حفظ می‌کند، مطابقت دارد. تالن (۲۰۰۸) کار جیکوبز را به‌عنوان مهمترین کار برای بیان ارتباط اساسی بین مکان و تنوع طبقه بندی می‌کند. جیکوبز در کار خود تنوع را متشکل از ابعادی مانند ترکیبی از کاربردها، از جمله تنوع در «فرصت‌های فرهنگی»^۱، گنجاندن «تنوع صحنه‌ها»^۲ و «تنوع زیاد در جمعیت و سایر کاربران» تعریف می‌کند. وارد تامپسون (۲۰۰۲) و لو و همکاران (۲۰۰۶) تنوع را با فرهنگ مرتبط می‌کنند. بنابراین تنوع را می‌توان به‌عنوان غنای فضاها، ویژگی‌های طبیعی، مقیاس فضاها، توزیع الگوهای فعالیت، استفاده ترکیبی از فضاها، گنجاندن انواع صحنه‌ها به‌عنوان محرک‌های بصری، فرصت‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی و تنوع زیاد کاربران یک فضای عمومی شهری تعریف کرد [۲۷]. در یک جمع‌بندی کلی تنوع در سه عنصر کلیدی کاربران، فرم و فعالیت تقسیم شده که تنوع در هویت، تنوع در فرهنگ و قوم به کاربران فضا معطوف می‌شود و هر چه میزان این سه عنصر کلیدی در فضای عمومی شهری بیشتر باشد آن فضا عادلانه‌تر تلقی می‌گردد.

1. cultural opportunities
2. variety of scenes

۵-۱۱. شرایط کالبدی

دومین مؤلفه از بعد کالبدی که اغلب مرتبط با زمینه بومی است، مؤلفه شرایط کالبدی می‌باشد که از ۵ معیار انعطاف پذیری، خوانایی، رمزگرایی و ابهام، نظم و یا بی‌نظمی و بهم ریختگی فضا و کیفیت سکونت در محلات مجاور فضا تشکیل می‌شود و همگی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر حضورپذیری، اجتماع‌پذیری و امنیت افراد تأثیرگذار خواهند بود.

۵-۱۲. رویدادمداری

رویدادمداری یکی از مؤلفه‌های بعد فرهنگی-مذهبی می‌باشند. رویدادمداری^۱ یا رویدادپذیری به برگزاری جشن‌ها و آیین‌های مذهبی و مناسبتی و فستیوالی در مکان و زمانی خاص گفته می‌شود. رویدادها می‌توانند سبب غنای کیفیت فضای عمومی شهری از دو طریق شوند؛ نخست آنکه رویدادمداری به مثابه ابزاری جهت رقابت شهری در حوزه بین‌المللی با هدف تغییر نشان شهر، جذب گردشگر و توسعه اقتصادی و بهبود کیفیت فضاهای عمومی شهری به‌عنوان برون‌دادی از آن و سپس رویدادمداری به‌عنوان مفهومی برخاسته از هویت فرهنگی هر شهر که در خاطرت جمعی ریشه داشته و بازنمایی آن می‌تواند محرکی فرهنگی و بومی در بهبود کیفیت فضاهای عمومی شهری باشد که خود افزایش کیفیت فضاهای عمومی شهری گامی مثبت و رو به جلو در جهت تحقق فضاهای عمومی شهری عادل است.

۵-۱۳. عفاف

مؤلفه دوم که با در مکاتب الهی نیز به آن اشاره شده است، در خصوص پوشش است به حفظ حجاب در فضای عمومی شهری اشاره دارد. مؤلفه عفاف به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در ارتباط با مؤلفه امنیت و خشونت‌های جنسی در فضای عمومی شهری است. این موضوع مطابق با یافته‌های مطالعات سراج‌زاده و همکاران^۲ (۱۳۹۴) است که نشان داد اگرچه پوشش بدن می‌تواند در کاهش مزاحمت‌های جنسی نقش داشته باشد، احساس امنیت زنان را تأمین نمی‌کند و این احساس بیشتر با ساختار روابط جنسیتی در جامعه مرتبط است.

۵-۱۴. هویت و فرهنگ

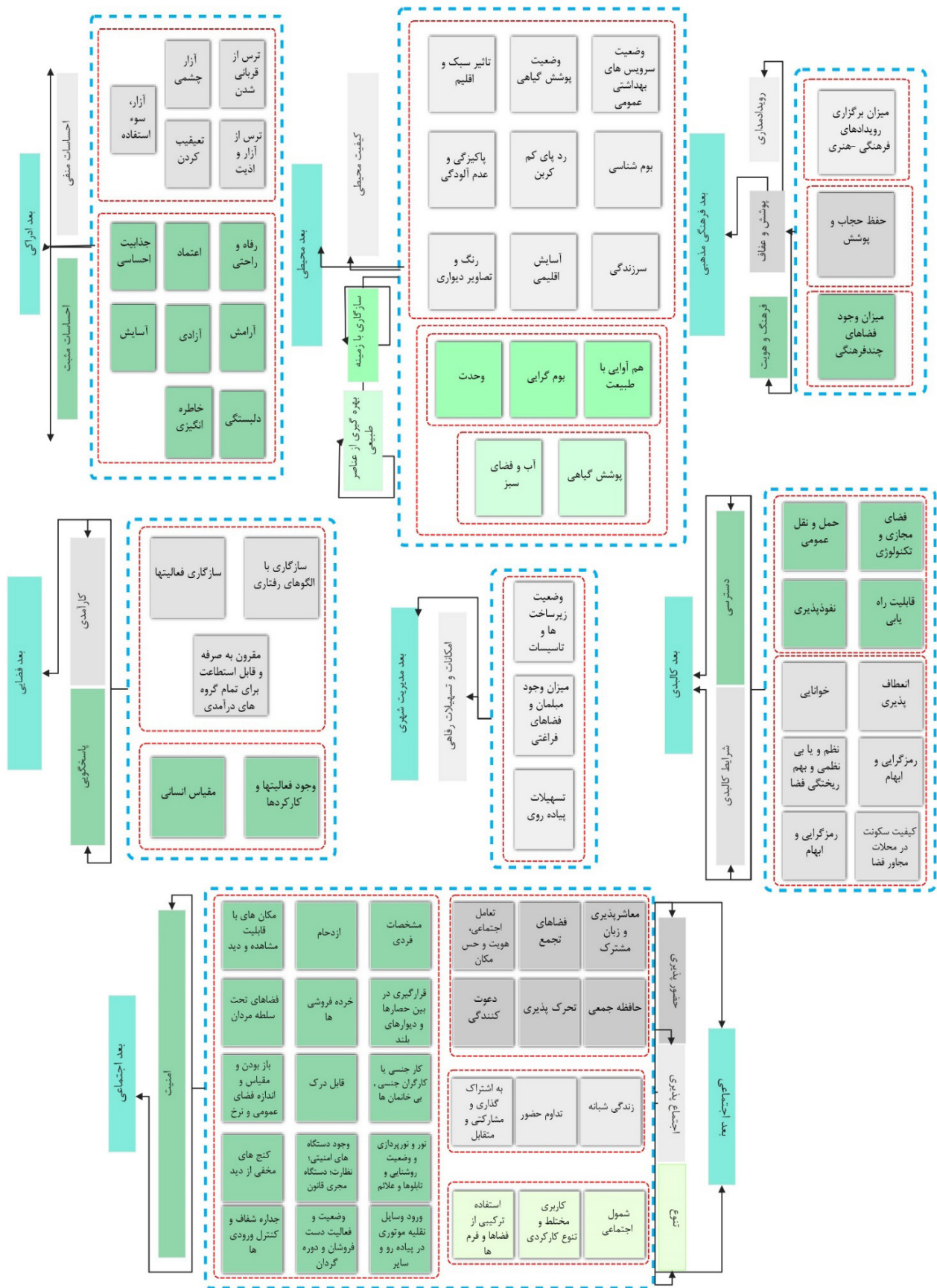
مؤلفه آخر در خصوص هویت و فرهنگ در فضاهای عمومی

شهری است که با شاخص میزان وجود فضاهای چند فرهنگی سنجیده خواهد شد. الگوی چند فرهنگی، بیان‌کننده این باور است که اگرچه افراد و گروه‌هایی که متعلق به یک جامعه هستند، دارای اشتراکات فرهنگی خاصی هستند، اما در کنار این اشتراکات‌اش گوناگونی‌ها و تفاوت‌هایی نیز از نظر قومی، مذهبی، نژادی، جغرافیایی و تاریخی برخوردار هستند و نادیده گرفتن تمامی این گوناگونی‌ها، اثرات گران باری را برای جامعه دارد. بر اساس این نگاه، در یک جامعه تمامی صداها باید شنید شود و شرایطی برای رشد و پیشرفت آنها و همچنین همزیستی مسالمت آمیز آنها فراهم شود. وجود تنوع، عاملی است که سبب غنای هویت شهر می‌گردد. توجه به تنوع فرهنگی می‌تواند منجر به قدرتمندی فضای عمومی شهری، شهر و جامعه، توسعه‌ی شهروندی و مشارکت مردم در نظارت و حفظ فضای عمومی و محیط‌شان نیز گردد.

۵-۱۵. امکانات و تسهیلات رفاهی

این مؤلفه که در بعد مدیریت شهری قرار دارد و از ۳ معیار وجود مبلمان و فضاهای فراغت، تسهیلات پیاده‌مداری و وضعیت زیرساخت‌ها و تاسیسات در فضای عمومی شهری تشکیل می‌شود. در طراحی یک فضای عمومی برای شهر، همه گونه افراد استفاده‌کننده، زنان و مردان، پیر و جوان باید در نظر گرفته شوند. در این راستا تفاوت‌های ظریفی که در زنان نسبت به مردان وجود دارد همچون جثه‌ی کوچکتر آنان که فضای کمتری را برای نشستن اشغال می‌کنند و از طرفی بدلیل کوتاه‌تر بودن نیاز به ارتفاع کمتری برای نشستن دارند و در یک کلام متناسب بودن ابعاد و تناسبات مبلمان شهری با نیازهای زنان بایستی مد نظر قرار گیرد. نتایج آماری تحقیق گراییک و همکاران^۳ (۲۰۲۲) نیز این مطلب را تایید کرد که زنان، بیشتر محبوبیت مبلمان شهری را به دلیل تناسب آن با نیازهای کاربران احساس می‌کنند. همچنین با توجه به نیاز خاص بانوان، مراقبت از افراد، مهم بودن مفهوم امنیت برای آنها، دسترسی آسان به فضاهای خدماتی مانند سرویس‌های بهداشتی، آبخوری‌ها، اغذیه فروشی‌ها و... در اولویت قرار دارد تا زنان احساس آرامش و امنیت بیشتری احساس کنند [۳۱]. نبود امکانات و تسهیلات رفاهی و عدم توجه به حضور و استفاده مؤثر و مفید سالمندان و کودکان و زنان در فضاهای عمومی شهری سبب ایجاد محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی می‌شود و خللی را بر روی زندگی سالم و عادلانه شهری ایجاد خواهد کرد. در (شکل ۳) دسته‌بندی شاخص/معیارهای عدالت جنسیتی در فضای عمومی به ابعاد و مؤلفه‌ها، طبق مطالعات فارسی و غیرفارسی آورده شده است.

۱. اصطلاح شهر رویدادمدار برای اولین بار توسط ریچاردز و پالمر در کتابی به همین نام مطرح شد. بالینثال، برگزاری رویدادها فعالیتی جدید نیست، بلکه مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که گرامیداشت موقعیت‌های خاص و سفر برای شرکت در یک فستیوال، از گذشته‌های دور رواج داشته و با جنبه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و اقتصاد جوامع عجین شده است. ۲. مراجعه شود به سراج‌زاده، سیدحسین، جواهری، فاطمه و رحمتی، الهام. (۱۳۹۴). پوشش زنان و احساس امنیت در فضاهای عمومی. مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۲۹(۲)، ۱۳۵-۱۵۹.



شکل ۳. دیاگرام مفهومی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص/معیارهای عدالت جنسیتی در فضاهای عمومی شهری (منبع: مندرج در جدول ۱)

۶. بحث و نتیجه گیری

با وجود تحقیقات گسترده از موضوع عدالت و ضمن موجود بودن مدل‌های ارزشمند از چارچوب‌های یک شهر عادلانه، با این حال، توجه محدودی به موضوع برنامه ریزی، طراحی و ارائه چارچوب فضای عمومی شهری عادل از منظر جنسیت صورت گرفته است و در واقع می‌توان گفت عدالت کهنه نویی است که هر چقدر به آن پرداخته شود بارها و بارها جنبه‌های جدید و بدیع دارد. با در نظر گرفتن این موضوع، پژوهش حاضر همانطور که در این مقاله گزارش شده است، پایه ای برای بحث‌های گسترده‌تر در مورد آنچه که به تحقق یک فضای عمومی عادلانه جنسیتی کمک می‌کند، فراهم می‌کند. شایان توجه است که هدف از عدالت ایجاد فضای یکسان برای افراد مختلف نیست. در عوض، باید «مکان‌های عمومی بیشتری برای عموم مردم، زنان و مردان» و تنوع بیشتری برای افراد مختلف ایجاد کرد. به طور خلاصه، این مطالعه با هدف ادغام بینش‌ها در مورد عدالت جنسیتی و فضای عمومی شهری و پیشنهاد چارچوبی برای آن است. این کار با اتخاذ مرور سیستماتیک ادبیات و پیگیری آن بر روی نرم‌افزار تخصصی علم سنجی وی او اس و یوئر در زمینه‌های مرتبط تحقیقات شهری برای انجام شد. پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها ۷ بعد اصلی یعنی ابعاد ادراکی، محیطی، اجتماعی، فضایی، کالبدی، مذهبی - فرهنگی و مدیریت شهری شناسایی شد. تجزیه و تحلیل بیشتر نشان می‌دهد که بعد ادراکی از مؤلفه احساسات، بعد محیطی از مؤلفه‌های کیفیت محیطی، سازگاری با زمینه و بهره‌گیری از عناصر طبیعی، بعد اجتماعی از مؤلفه‌های امنیت، حضور پذیری، اجتماع‌پذیری و تنوع، بعد فضایی از دو مؤلفه کارآمدی و پاسخگویی، بعد کالبدی از مؤلفه‌های دسترسی و شرایط کالبدی، بعد مذهبی - فرهنگی از مؤلفه‌های رویدادمداری، پوشش و عفاف و فرهنگ و هویت و بعد مدیریت شهری از مؤلفه‌های امکانات و تسهیلات رفاهی تشکیل می‌شود. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های پیشین همسو است. به‌عنوان مثال ژیان و همکاران در چارچوب نظری پژوهش خود به مؤلفه‌های دسترسی، اجتماع‌پذیری و تنوع اشاره کرده‌اند. همچنین در خصوص مؤلفه امنیت همانگونه که سراج‌زاده و همکاران متذکر شده‌اند، اگرچه پوشش بدن می‌تواند در کاهش مزاحمت‌های جنسی نقش داشته باشد، احساس امنیت زنان را تأمین نمی‌کند و این احساس بیشتر با ساختار روابط جنسیتی در جامعه مرتبط است. چارچوب پیشنهادی ابزاری برای کمی کردن عملکرد فضای عمومی عادل را ارائه می‌کند. روش مورد استفاده در مقاله دارای یک سری محدودیت‌هایی است که می‌توان در تحقیقات آینده

در مورد فضای عمومی عادل به آنها پرداخت. به‌عنوان مثال، در حالی که این مطالعه مروری بسیار دقیق و منظم از ادبیات مرتبط انجام داده است، فهرست بازبینی شده ممکن است جامع نباشد زیرا پایگاه داده جستجو فقط به اسکوپوس محدود است. تحقیقات آینده می‌تواند پایگاه‌های اطلاعاتی دیگر مانند گوگل اسکولار یا وب اف ساینس را در نظر بگیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی، یافته‌های پژوهش می‌تواند در یک مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته مورد تدقیق قرار گرفته و چارچوبی عملیاتی را فراهم کند. این چارچوب همچنین می‌تواند به‌عنوان راهنمای دولت و تصمیم‌گیرندگان برای سیاست‌گذاری بهینه به منظور محدود کردن نابرابری، عدالت و توسعه بلندمدت در نظر گرفته شود.

References

1. Rafieian, M, & Khodaei, Z. (2010). The Study of Determining Indices and Criteria of Citizen's Satisfaction with Urban Public spaces. *Rahbord*, 18(53) Special issue for Cultura and Social Studies, 227-248.
2. Mousavi, M.S, & Zahedian, E. (2013). An Analytical Study of Factors Affecting Social Interactions of Women in Urban Spaces (case study: Shahryar Pedestrian street, Tabriz). *Woman & Study of Family*, 6(21), 145-166.
3. Lefebvre, H. (1996). *the Rights to the City*. Writings on cities.
4. Shahrinrad M, Rafieian M, Pourjafar M R. Assessing Women's Visual Preferences towards Tehran Urban Spaces. *Advances in Cognitive Sciences* 2015; 17 (1):10-24
5. Zabetian, E., Bermanian, M. & Rafieian, M. (2010). Examining the pattern of planning the use of urban spaces effective on increasing the safety of women (case study: the central part of Tehran). *Social Sciences*, 17(48), 107-149. doi: 10.22054/qjss.2010.875
6. Broumand, M., Toghyani, Sh. & Saberi, H. (2017). Evaluation the Impacts of Urban Elements on Formation of Behavioral Patterns by Emphasizing on Gendered Urban Spaces (Case study: 2th Region of Tehran's Municipality). *Journal title* 2017; 16 (46) :241-260
7. Carmona, M (2003), *Urban Spaces is a holistic guide to the many complex and interacting dimensions of urban design*. taylor and francis publishing.
8. Thomas, D. C. (1999). *Change in Eastern Europe*.

22. Sim, D. (2019). *Soft city: building density for everyday life*. Island Press.
23. Shojaee, D. and Partovi, P. (2015). Analysis of Factors Affecting the Creation and Promotion of Sociability in Public Spaces in Different Scales of Tehran City (Case studies: Two Neighborhoods and an Area in District 7 Tehran). *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 12(34), 93-108.
24. Karami, I. and mohamadhoseini, P. (2018). The Effect of Sociability of Public Places on Social Sustainability in Residential Complexes (case study: Mehr Residential Complex's in Ardabil). *Motaleate Shahri*, 7(26), 43-56. doi: 10.34785/J011.2018.031
25. Garba, S. B. (2012). Diversity in the Public Space of A Traditional City-Zaria, Nigeria. *Open House International*, 37(2), 42-52.
26. Tveit, M., Ode, A., & Fry, G. (2006). Key concepts in a framework for analyzing visual landscape character. *Landscape Research*, 31(3), 229-255.
27. Harun, N. Z., Mansor, M., & Said, I. (2013). The experience of diversity in open spaces of two historical towns in Malaysia. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 85, 582-591.
28. Yilmaz, M. (2018). Public space and accessibility. *ICONARP International Journal of Architecture and Planning*.
29. Saeidi Rezvani, N. , Daneshpour, H. and Daneshpour, A. R. (2014). A New Approach to the Factors Affecting Accessibility(Case Study: Shiraz, Ma'liabbad and Molasadra Neighborhoods). *Human Geography Research*, 46(1), 215-236. doi: 10.22059/jhgr.2014.50601
30. Andrade, I., & Dorneles, V. (2012). Accessibility for All: Going from theory to Practice. *Work*, 41(Supplement 1), 3840-3846.
31. Grabiec, A. M., Łacka, A., & Wiza, W. (2022). Material, functional, and aesthetic solutions for urban furniture in public spaces. *Sustainability*, 14(23), 16211.
9. Iveson, K. (2006) Strangers in the cosmopolis, in Binnie, J., Holloway, J., Millington, S. and Young, C. (eds.) *Cosmopolitan Urbanism*. London: Routledge, pp. 70-87
10. Sandercock, L. (2003) *Towards Cosmopolis*. Chichester: Wiley.
11. Jacobs, J. (1961) *The Death and Life of Great American Cities*. Toronto: Random House Inc.
12. Sennett , R. (1970) *The Uses of Disorder*. New York: Knopf.
13. Watson, S. (2006) *City Publics: The (Dis) Enchantments of Urban Encounters*. London: Routledge.
14. Fainstein, S.S. (2010) *The Just City*. New York: Cornell University Press.
15. Griffin, T.L. (2015) Defi ning the just city beyond black and white, in Griffi n, T.L., Cohen, A. and Maddox, D. (eds.) *The Just City Essays*, Vol. 1. New York: The J. Max Bond Center on Design for the Just City.
16. Harvey, D. (1973) *Social Justice and the City*. Oxford: Blackwell.
17. Soja, E.W. (2010) *Seeking Spatial Justice*. Minneapolis, MN: University of Minnesota.
18. Rawl, J. (1971) *A Theory of Justice*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
19. Low, S., Taplin, D., and Scheld, S. (2006). *Rethinking urban parks: Public space and cultural diversity*. Austin: University of Texas.
20. Haque, M. N., & Sharifi, A. (2024). Justice in access to urban ecosystem services: A critical review of the literature. *Ecosystem Services*, 67, 101617.
21. Noor, S., & Iamtrakul, P. (2024). A semi-systematic literature review, identifying the relationship between transit environments and women's fear of victimization in transportation systems: a global perspective. *Public Transport*, 1-31.